روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۶۵۰۰۷ - ۰۹۱۲۳۵۸۳۲۹۳ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
شنبه ۹ اردیبهشت ۱۴۰۲ • ۸ شوال ۱۴۴۴ • ۲۹ آوریل ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۴۰ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۲ • اذان مغرب ۱۹:۰۸
اذان صبح فردا ۳:۴۱ • طلوع آفتاب ۵:۱۴

روزنامه شرق

• دو فروند لنج باری که حامل کالای وارداتی از کشورهای حاشیه خلیج فارس بودند صبح جمعه به دلایل نامعلومی در بندر بهمن قشم طعمه حریق شدند.
عکس: اصغر بشارتی، ایرنا

دیالوگ روز

قوی سیاه - دارن آرونوفسکی- ۲۰۱۰

توماس (ونسان کسل): «توی این چهار سال هر بار که رقص تو رو دیدم، انگار داری زور می‌زنی که تمام حرکاتو کامل و درست انجام بدی. اما تا حالا هیچ وقت ندیدم که خودتو رها کنی. این همه انضباط واسه چیه؟
نینا (ناتالی پورتمن): من فقط می‌خوام بی‌عیب و کامل باشم.
توماس: کمال این نیست که همش خودتو کنترل کنی. یه وقتایی لازمه که خودتو رها کنی. خودتو غافلگیر کن تا بتونی بقیه رو غافلگیر کنی.

صنف

ادامه فشار بر روزنامه‌نگاران و بازداشتی‌ها

با گذشت بیش از ۲۲۰ روز از آغاز بازداشت‌ها همچنان وضعیت بر اهالی رسانه و قلم مثل سابق است. سه روزنامه‌نگار سعیده شفیعی، مهرنوش زارعی و نسیم سلطان‌بیگی برای ارائه آخرین دفاع به دادسرای اوین احضار شده‌اند و همچنین از ارائه دارو به کیوان مهندی خودداری می‌شود.

دیوار کوتاه روزنامه‌نگاران

در این روزگار و شرایط سخت روزنامه‌نگاران، علاوه بر فشارهایی که از سوی دستگاه‌های مختلف بر خبرنگاران وارد می‌شود، برخی مسئولان نیز به ساحت روزنامه‌نگاری توهین می‌کنند. انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران نسبت به این ماجرا اعتراض کرده و این رفتارها را محکوم کرده است. در بیانیه این انجمن صنفی آمده است: «دو اتفاق رسانه‌ای در روزهای اخیر، نشان از وضعیت نابسامان جایگاه روزنامه‌نگاری در ایران است. در یکی از این دو رویداد، مسعود درخشان میهمان یک برنامه تلویزیونی به صراحت روزنامه‌نگاران را «منحط» می‌خواند و در رویداد دیگر علیرضا دبیر، رئیس فدراسیون کشتی، حتی یک کلمه انتقادی را برنمی‌تابد و در نامؤدبانه‌ترین شکل ممکن، به خبرنگاری که از وی سؤال کرده است، توهین می‌کند و حکم به اخراج خبرنگار از جلسه می‌دهد. انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران ضمن حمایت از خبرنگاران حاضر در جلسه، با محکوم‌کردن توهین و اخراج خبرنگاران از حوزه کاری ایشان، بر ارزش‌های اجتماعی فعالیت روزنامه‌نگاران در شرایط سخت فعلی تأکید می‌کند و به همکاران خود پیشنهاد می‌دهد در برخورد با مسئولانی که جایگاه روزنامه‌نگاری را درک نکرده و توهین روا می‌دارند، به‌طور منسجم اعتراض کرده و از پوشش خبری فعالیت‌های آنان خودداری کنند».

واکنش‌ها به اعلام اتهامات الهه محمدی و نیلوفر حامدی

در روز پنجم اردیبهشت سخنگوی قوه قضائیه از صدور کیفرخواست علیه «نیلوفر حامدی» و «الهه محمدی»، روزنامه‌نگاران دو روزنامه «شرق» و «هم‌میهن»، خبر داده بود. سخنگوی قوه قضائیه بعد از گذشت بیش از ۲۰۰ روز از بازداشت «موقت» این دو روزنامه‌نگار، اتهامات آنها را «همکاری با دولت متخاصم آمریکا»، «اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت ملی» و «فعالیت تبلیغی علیه نظام» اعلام کرد.

نعمت احمدی در گفت‌وگو با وکلاپرس اصل بازداشت موقت آنها را محل سؤال دانست و گفت: «وقتی متهم آدرس و مکان مشخصی دارد و فردی شناخته‌شده است، بنابراین دسترسی به او آسان و بازداشت موقت سخت‌ترین قرار است». این حقوق‌دان افزود: «هر کسی که تحت تعقیب قرار می‌گیرد، پرونده حداکثر باید تا ۲۴ ساعت تکمیل شود و به دادسرا ارجاع داده شود و در دادسرا هم باید طبق قانون برای دسترسی آسان به متهم، قرار صادر شود. این قرار از التزام به حضور است تا کفالت و وثیقه و در موارد خاص بازداشت موقت».

کامبیز نوروزی، حقوق‌دان، نسبت به اتهام همکاری با دولت متخاصم آمریکا نیز واکنش نشان داد و نوشت: «نمی‌توان دولت ایران و آمریکا را دولت‌های متخاصم شناخت؛ چراکه هم از لحاظ حقوق بین‌الملل و هم از نظر حقوق داخلی دارای آثار گسترده و مهمی خواهد بود. دولت‌های ایران و آمریکا هیچ‌گاه بعد از انقلاب در حالت دولت‌های متخاصم از لحاظ حقوق نبوده‌اند. در برخی پرونده‌های خاص اتهاماتی از این دست وارد می‌شود که حتی پایه‌های آن هم محل ایراد است که شایسته دستگاه قضائی ایران نیست».

ادامه احضار روزنامه‌نگاران

سعیده شفیعی، مهرنوش زارعی و نسیم سلطان‌بیگی سه روزنامه‌نگار به دادسرای زندان اوین احضار شده‌اند. این سه روزنامه‌نگار که در جریان ناآرامی‌ها بازداشت و سپس با قرار وثیقه آزاد شده بودند، حالا طی ابلاغیه‌های جداگانه‌ای برای ارائه آخرین دفاع احضار شده‌اند.

قوه قضائیه در ابلاغ صادرشده برای این روزنامه‌نگاران به آنها از تاریخ صدور پنج روز فرصت داده است تا برای ارائه آخرین دفاع، به دادسرای اوین مراجعه کنند. ازجمله اتهاماتی که این روزنامه‌نگاران با آن مواجه هستند، می‌توان به «تبلیغ علیه نظام» اشاره کرد که مصداق طرح این اتهام «نوشته‌های مختلف آنان» عنوان شده است.

نسیم سلطان‌بیگی، روزنامه‌نگار، در دی ۱۴۰۱، هنگامی که قصد سفر به خارج از ایران را داشت، در فرودگاه بین‌المللی تهران بازداشت شد.

سعیده شفیعی و مهرنوش زارعی، دو روزنامه‌نگار شناخته‌شده دیگر نیز دوم بهمن ۱۴۰۱ توسط نیروهای امنیتی در تهران بازداشت شده بودند.

عدم تحویل داروی کیوان مهتدی

آنیشا اسداللهی، همسر کیوان مهتدی، از وضعیت نامساعد همسرش و فشارهای مضاعف بر او می‌نویسد. او نوشته است که کیوان مهتدی از گرفتن داروهایش در زندان محروم است. به گفته او، پنجم اردیبهشت نزدیک به دو ماه شد که اجازه دریافت هیچ دارویی را به این نویسنده نمی‌دهند. همسر او تشریح کرده است:

۱. اسفند پارسال اعلام کردند کیوان مهتدی ممنوع‌الملاقات است و ایشان را عملا چهار هفته و از آخرین ملاقات سال محروم کردند.

۲. از اوایل اسفند از تحویل داروهای کیوان مهتدی به بهانه تهیه نسخه خودداری کردند؛ درحالی‌که پس از تهیه نسخه پزشک، آن‌هم از داخل زندان، مجددا اواخر اسفند برای تحویل دارو کارشکنی‌ها ادامه پیدا کرد.

علی‌رغم اینکه در آیین‌نامه اجرائی زندان‌ها پیش‌بینی شده است که مسئولان زندان باید تدابیر لازم برای درمان و دسترسی زندانیان به داروهای لازم را پیش‌بینی کنند. اولین جلسه دادگاه این نویسنده در ۹ آبان برگزار شد و روز دوشنبه ۱۹ دی ۱۴۰۱، حکم کیوان مهتدی، نویسنده و مترجم، به وکیل او امیر رئیسیان ابلاغ شده است. طبق این حکم او به اتهام «اجتماع و تبانی» به پنج سال حبس و به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال حبس تعزیری محکوم شده است.

آیا همه‌پرسی راهگشا خواهد بود؟

ابراهیم ایوبی
وکیل دادگستری

همه‌پرسی یا به زبان انگلیسی «رفراندوم» (Referendum)، در ادبیات سیاسی/ حقوقی اصطلاحی است به معنای مراجعه به آرای عمومی برای کسب نظر مردم. همه‌پرسی را با معیارهای مختلف تقسیم‌بندی کرده‌اند که با در نظر گرفتن هدف به سه بخش تقسیم می‌شود: «همه‌پرسی تأسیسی» برای تصویب قانون اساسی جدید یا اصلاح قانون اساسی موجود، «همه‌پرسی تقنینی» با هدف تصویب یا اصلاح قانون عادی از طریق رأی مستقیم به جای روش نمایندگی یا غیرمستقیم و در نهایت «همه‌پرسی سیاسی یا مشورتی» که حاکمیت برای اتخاذ تصمیمی خاص نظر ملت را جویا شود. بر اساس ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر «هر کس حق دارد که در حکومت کشور خود، خواه به‌طور مستقیم خواه به‌طور نمایندگانی که آزادانه انتخاب شوند، شرکت جوید». البته این روش تصمیم‌گیری در برخی کشورهای دنیا رایج است؛ برای نمونه گفته‌شده در کشور سوئیس یا «سرزمین همه‌پرسی‌ها» از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۹ میلادی در مجموع ۳۴۳ بار (در سطح ملی و ایالات و شهرها) برای اتخاذ تصمیم به آرای عمومی رجوع شده است.

در تاریخ ایران پنج مرتبه همه‌پرسی برگزار شده که دو مورد به پیش از انقلاب اسلامی بازمی‌گردد. در قانون اساسی مشروطیت و متمم آن موضوع مراجعه مستقیم به آرای عمومی مطرح نشده بود؛ با این حال دکتر محمد مصدق در مقام نخست‌وزیر در مرداد ۱۳۳۲ موضوع انحلال هفدهمین دوره مجلس شورای ملی را به رأی عموم مردم گذاشت که با اکثریت بیش از ۹۹ درصد به تصویب و پس از کودتای ۲۸ مرداد به امضای پادشاه رسید. همچنین در بهمن ۱۳۴۱ اصول شش‌گانه‌ای مربوط به اصلاحات اقتصادی/ اجتماعی مشهور به «انقلاب سفید» یا «انقلاب شاه و ملت» به رفراندوم گذاشته شد که نتیجه آن با ۹۹ درصد آری، مثبت و مورد تأیید ملت اعلام شد. پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ سه همه‌پرسی برگزار شد که به ترتیب عبارت بود از: همه‌پرسی تعیین نظام جمهوری اسلامی که در فروردین ۱۳۵۸ به تصویب بیش از ۹۸ درصد رسید؛ همه‌پرسی تأیید قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تأیید بیش از ۹۹ درصد و آخرین مورد همه‌پرسی اصلاح قانون اساسی با تأیید بیش از ۹۷ درصد شرکت‌کنندگان. هر سه مورد همه‌پرسی تأسیسی بوده که در دو مورد اول اساسا قانون اساسی وجود نداشته و در مورد سوم (بازنگری و اصلاح) این امر هم در قانون اساسی پیش‌بینی نشده بوده است.

در نظام حقوقی کنونی ایران موضوع همه‌پرسی در دو اصل قانون اساسی پیش‌بینی شده است. اصل ۵۹ بیان می‌دارد: «در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است، اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آرای عمومی باید به تصویب دوسوم مجموع نمایندگان مجلس برسد». این نوع مراجعه به آرای عمومی، همان همه‌پرسی تقنینی است. در تاریخ چهارم تیرماه ۱۳۶۸ قانون «همه‌پرسی در نظام جمهوری اسلامی ایران» به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که بر مبنای ماده ۳۶ این قانون «همه‌پرسی به پیشنهاد رئیس‌جمهور یا صد نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و تصویب حداقل دوسوم مجموع نمایندگان مجلس شورای اسلامی انجام خواهد شد». جالب اینکه در ۱۹ اسفند ۱۳۸۱ دبیر شورای نگهبان (احمد جنتی) درخواست تفسیر اصل ۵۹ قانون اساسی را از شورای نگهبان می‌کند؛ در این استفساریه آمده است: «نظر به برخی شبهات و تشکیکات ایرادشده درباره شمول اصل نودوچهارم قانون اساسی نسبت به مصوبه درخواست مراجعه به آرای عمومی - موضوع اصل پنجاه‌ونهم قانون اساسی- لطفا نظر تفسیری آن شورای محترم را در این زمینه اعلام فرمایید که اصل ۹۴ قانون اساسی شامل همه‌پرسی مصوب مجلس شورای اسلامی می‌شود یا خیر؟» و شورای نگهبان در ۲۵ اسفند ۱۳۸۱ در پاسخ اظهار می‌دارد: «درخواست مراجعه به آرای عمومی موضوع اصل ۵۹ قانون اساسی از مصادیق مصوبات مجلس شورای اسلامی است و باید طبق اصل ۹۴ قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال شود». نتیجه اینکه مصوبات همه‌پرسی نیز از نظر عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی، باید به تأیید شورای نگهبان برسد.

مورد دیگری که در قانون اساسی موضوع رفراندوم پیش‌بینی شده، اصل ۱۷۷ و بازنگری در قانون اساسی است. در این اصل برای بازنگری در قانون اساسی پنج مرحله پیش‌بینی شده است: نخست، تشخیص لزوم بازنگری توسط مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ دوم، تعیین موارد اصلاح یا تتمیم توسط ایشان؛ سوم، تشکیل شورای بازنگری با ترکیبی از مقامات که در این اصل در ۹ بند در نظر گرفته شده است؛ چهارم، بررسی موارد اصلاح یا تتمیم توسط شورای بازنگری؛ پنجم، مصوبات شورا پس از تأیید و امضای مقام رهبری از طریق مراجعه به آرای عمومی به همه‌پرسی گذاشته می‌شود. در این فرایند مردم در مرحله آخر نظر «آری» یا «خیر» خواهند داد. از آنجایی که تاکنون تصمیمی برای اصلاح مجدد قانون اساسی گرفته نشده است و بر فرض تصویب دوسوم نمایندگان مجلس نیز نتیجه همه‌پرسی در زمینه قانون‌گذاری مستقیم، با تفسیر شورای نگهبان باید به تأیید این نهاد برسد؛ برگزاری همه‌پرسی در شرایط کنونی چندان مفید به نظر نمی‌رسد.

خارجی‌خوانی

بحران سلامتی اردوغان

چرا انتشار خبر درباره اردوغان تبدیل به بحران خبری شد؟ این سؤالی است که با حجم اخبار متناقضی که درباره سلامتی، عدم سلامتی، دلیل بیماری، دلیل قطع برنامه، دلیل حضورنداشتن فیزیکی در مهم‌ترین اتفاق ممکن برای اردوغان رخ داده است.

اردوغان، نامزد ریاست‌جمهوری و رئیس‌جمهور کنونی ترکیه، در یک برنامه خبری حالش نامساعد شد و پس از ۲۰ دقیقه قطع برنامه، اردوغان به صحنه بازگشت و در توضیح این واقعه گفت معده او بر اثر فشار کاری در کمپین انتخاباتی دچار مشکل شده است. این خبری بود که اسپوتنیک نیز آن را منتشر کرد. اما خبرهای متناقض بعد این اتفاق رخ داد. رسانه‌های ترکیه اعلام کردند رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه، مصاحبه تلویزیونی خود با برخی رسانه‌های ترکیه نظیر تی‌آرتی را لغو کرده است. برخی منابع خبری مدعی شدند اردوغان به دلیل عارضه سکته قلبی در بیمارستان بستری شده است. پس از آن بود که مرکز ضد اطلاعات ترکیه، گزارش‌هایی را مبنی بر اینکه رئیس‌جمهور اردوغان دچار حمله قلبی شده است، تکذیب کرد و معاون رئیس‌جمهور ترکیه گفت وضعیت سلامت اردوغان خوب است و دچار سرماخوردگی ضعیف شده. البته رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، برای دومین روز متوالی برنامه‌های تبلیغاتی انتخاباتی خود را لغو کرده است. سرانجام هم در یکی از مهم‌ترین اتفاق همه این سال‌ها اردوغان به‌طور مجازی با پوتین در مراسم رسمی تحویل نخستین محموله سوخت هسته‌ای به اولین نیروگاه اتمی ترکیه از سوی روس‌ها شرکت کرد. رجب طیب اردوغان در سخنرانی در این مراسم از طریق ویدئوکنفرانس اعلام کرد کشورش با تأخیر ۶۰ساله، به جمع کشورهای دارای انرژی هسته‌ای در جهان وارد شده است. به‌هرحال هنوز معلوم نشده است این همه تناقض از چه رو است؛ البته برخی منابع خبری به ترور بیولوژیک او نیز اشاره کرده‌اند.

در آستانه برگزاری انتخابات ۲۴ اردیبهشت، اردوغان دستور بازداشت ۱۲۰ نفر از فعالان رسانه‌ای و مدنی را صادر کرده و آنان در هفته پیش روانه زندان شده‌اند.

تاریخ‌خوانی

یادی از معلم فداکار

این هم از ویژگی کانال‌های خبری است که خبرها را از روی هم برمی‌دارند و منتشر می‌کنند و گاه خبری که متعلق به سال‌های سال پیش است، دوباره منتشر می‌شود. نمونه این خبر را می‌توان در انتشار خبر درگذشت «معلم فداکار» دریافت. خبری درباره «حسن امیدزاده» معلم فداکاری که در سال ۷۶ برای نجات ۳۰ دانش‌آموز گرفتار در آتش‌سوزی مدرسه روستای بیجار سرشفت، خود را به شعله‌های آتش زد. این «معلم فداکار» پس از ۱۵ سال تحمل درد در سال ۹۱ درگذشت. خبر فوت او در اواخر اسفند ۱۳۹۳ دوسال‌و نیم پس از فوت او برای اولین بار در خبرگزاری ایرنا منتشر شد و پس از آن خبرگزاری فارس در تاریخ ۱۵ اردیبهشت به سراغ خانواده او رفت و با همسرش گفت‌وگویی انجام داد. حالا این خبر پس از سال‌ها دوباره در کانال‌های خبری منتشر شده است؛ ولی سبب یادآوری فداکاری او شد. هرچند دانش‌آموزان سوم دبستانی، این آقا معلم فداکار را به‌خوبی می‌شناسند؛ چراکه ماجرای نجات‌دادن دانش‌آموزان یک دبستان از آتش جزء درس فداکاران کتاب سوم ابتدایی است. ساعت ۱۱ شنبه ۱۸ بهمن سال ۷۶ بخاری نفتی کلاس دانش‌آموزان دوم دبستان بجارسر شهرستان شفت از توابع استان گیلان آتش گرفت؛ آقای امیدزاده معلم دانش‌آموزان کلاس پنجمی زودتر از بقیه معلمان متوجه این آتش‌سوزی شد و خود را به کلاس دوم دبستانی رساند. بخاری کلاس درست جلوی در، آتش گرفته بود و امکان خروج دانش‌آموزان وجود نداشت و ۳۰ دانش‌آموز دوم دبستانی درحالی‌که به‌شدت ترسیده بودند، فقط فریاد می‌زدند و کمک می‌خواستند. کم‌کم معلمان دیگر نیز متوجه این حادثه شدند و به کمک آقای امیدزاده شتافتند؛ اما پس از نجات ۳۰ دانش‌آموز متوجه شدند، سر، صورت و دست‌های آقا معلم به‌شدت سوخته است. به گزارش فارس آقای امیدزاده در آتش گیر می‌کند و نمی‌توانند او را نجات دهند، گوش، سر، بینی و بدن آقای امیدزاده به‌شدت

دچار سوختگی شده بود. آقای امیدزاده به تهران منتقل شد و مدت‌ها در بستر بیماری بود؛ او ۱۵ سال با رنج و درد سوختگی زندگی کرد. این معلم دیگر نتوانست به مدرسه بازگردد، انگشت‌های دست راستش قطع شده بود و امکان اینکه بتواند دوباره در کلاس درس حضور یابد، خیلی سخت بود و در نهایت نیز ۲۸ تیر ماه سال ۹۱، حالش بد شد و همین که به بیمارستان منتقل شد، برای همیشه با زندگی وداع کرد. رقیه دخت همسر مرحوم امیدزاده می‌گوید: «حسن آقا همیشه درد داشت؛ چراکه ۹۵ درصد سوختگی داشت تمام بدنش و صورتش سوخته بود؛ پنج انگشت دست راستش قطع شده بود. فقط پاهایش سالم بود که از پوست کشاله ران تا مچ پا را گرفته بودند و بینی و گوش او را ترمیم کرده بودند. آقای امیدزاده هفت ماه در بیمارستان تهران بستری بود و این در حالی بود که ما هیچ آشنا یا فامیلی در تهران نداشتیم و بنده از صبح تا شب روی یک صندلی نشسته بودم». به گزارش فارس، آقای امیدزاده در آن زمان دارای شش فرزند بود که در آن زمان یاسر فرزند بزرگش در کلاس نهم درس می‌خواند و پیشه پدر را انتخاب کرد و معلم مدرسه استثنائی شده است. همسر آقای امیدزاده در گفت‌وگویی که با فارس داشت، معتقد بود با وجود حادثه‌ای که برای شوهرش اتفاق افتاده است؛ اما او هیچ‌گاه از اینکه فداکاری انجام داده، گله‌ای نکرده است و همیشه از اینکه توانسته است آنچه را وظیفه‌اش بوده است، انجام دهد، خدا را شاکر بوده است و می‌گفت «وجدانم راحت است».

نشانه‌خوانی

فرگشت نظری و تن‌دادن به نقیض

پویا نعمت‌اللهی
دکترای علوم ارتباطات اجتماعی و روزنامه‌نگار

یکی از چهره‌های مشهور نواصولگرایی که اتفاقا از اعضای مهم تیم رسانه‌ای دولت هم هست، توییت ویژه‌ای منتشر کرده است. او نوشته که فرض کنید در سیاست خارجی (رابطه با آمریکا) رفراندوم کردیم و گزاره این بود که «رابطه با آمریکا؛ آری یا خیر». مردم هم بالای ۵۰ درصد گفتند آری. آن‌گاه ادامه مسیر چه خواهد شد؟ وقتی حکومت یک راه دارد و آن هم برقراری رابطه، واکنش آمریکا چه خواهد بود؟

این چهره نواصولگرا سپس از قابلیت امکان نظرسنجی توییتر استفاده کرده و چهار گزینه را مطرح کرده است، به‌این‌صورت «احترام و لغو تحریم»، «مدیریت تنش ملت-حکومت»، «مطالبات را بالاتر می‌برد»، «به شرط جمع‌کردن برنامه موشکی اتمی».

از این توییت و آن گزینه‌ها چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟

به واقع این متن و به‌ویژه آن گزینه‌های چهارگانه چه چیزهایی در نظام فکری این عضو محترم پیشرو رسانه‌ای در سپهر اصولگرایی سیاسی کشور را برای ما آشکار می‌کند؟

درباره این موضع‌گیری، به نظر می‌رسد چه‌بسا حس ناامیدی از اینجا نشئت می‌گیرد که آدم نمی‌داند چرا می‌جنگد و حتی نمی‌داند اصلا باید بجنگد یا نه. اما این به چه معناست؟

پیش از هر چیز ابتدا نوعی اختلال در استنباط و تحلیل حاصل شده است؛ چراکه گزاره‌ها به هم نسبتی نمی‌بینند تا گره مسئله را بگشایند؛ بنابراین دچار عارضه عجیبی می‌شوند.

پرسش پیشنهادی به‌ظاهر عقلانی است و پاسخ پیشنهادی هم به‌ظاهر عقلانی به نظر می‌رسد؛ اما نتیجه آن نمی‌تواند عقلانی باشد؛ چون خلاف امر معهود ذهن پُرسنده است.

اکنون سؤال این است که چه چیزی آن را حل می‌کند؟

خروج از عقل تحلیل به شرع تحلیل، یعنی استنباط نهایی مشروط به نفس نظام ارزشی است. از این بابت دلیل پرسش بیهوده می‌شود و پاسخ هم بی‌معنی می‌نماید.

در واقع پُرسنده (یعنی عضو محترم پیشرو نواصولگرایی) برای اینکه مشکل خودش را حل کند، از نظریه تبدیل امر سیاسی و حکمرانی به نظریه فقه بهره می‌گیرد.

اما این کار را به چه شیوه‌ای انجام می‌دهد؟ پاسخ این است که از طریق امتناعی‌کردن گزاره و رجوع به امتناع بالقیاس صورت می‌گیرد؛ حال آنکه این اصل قابل استفاده نمی‌تواند باشد، مگر آنکه یک ملاک مازاد و اضافی به نام اعتقاد شخصی بر زمینه داوری تأثیر بگذارد.

درواقع استفاده از امتناع بالقیاس برای اظهار اینکه ما در حال استدلال عقلانی هستیم و نتیجه معکوس‌گرفتن، که ما حالا قیاس عقلی کردیم، از این نظر اجرای یک قانون مضر و نتایج زیان‌بارش خودش دلیل عقلانی لزوم نفی آن قانون به طور کلی است.

اکنون بحث می‌تواند دچار یک چرخش شود.

چه لزومی دارد تن به چنین فرگشتی در بحث داد که می‌تواند از درون آن نقیضه سر برآورد؟

به بیان دیگر اینکه چرا این شخصیت محترم رسانه‌ای نواصولگرایی، به جای ورود به بحثی که عرف مخالف آن است و حاکم گفت‌وگو (یعنی خود ایشان) موافق طبع عرف نیست، به اصل و اساس بحث که عقیده آن را صورت‌بندی می‌کند، داخل نمی‌شود؟

چه‌بسا حداقل مخاطب خاص می‌فهمد گوینده چه منظوری دارد و مخاطب عام هم حس می‌کند این منطق مذکور متعلق به عقیده و باور اوست؛ خواه می‌تواند بپذیرد و خواه نمی‌خواهد و از آن چشم‌پوشی می‌کند. در اینجا ذکر نکته دیگری اهمیت دارد.

این توییت به‌روشنی حاکی است که آنچه اهمیت دارد، همانا اصل و وجود تخاصم است. این عناد باید همواره برقرار و تعمیق شود.

اکنون این توییت نشان داد که جریان مذکور هیچ برنامه‌ای برای این ندارد که اگر مخاصمه مذکور کم‌رنگ شود، باید چه کار کرد؟ پس اصل تضامنی در قالب تحریض به ستیز و عداوت است. از حیث نظری نیز حاکی از بی‌برنامگی، تکیه بر بخت و شانسی‌کردن رخدادها، سرگشتگی در بیان نظر و نهایتا فقدان نظریه برای آینده است.